

واکاوی گفتمان نظارت بر تن زنانه در ایران پس از انقلاب اسلامی¹

محمد جواد غلامرضا کاشی²، مینا هلالی ستوده³

تاریخ دریافت: 91/6/10 تاریخ تایید: 91/9/8

چکیده

مقاله حاضر به مطالعه نسبت میان تن زنانه و ساختارهای سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی می‌پردازد. در این راستا تلاش شده با تأکید بر نظریه فوکو در مورد مناسبات قدرت و بدن و نیز مطالعه تجربی وجوه نمادین بدن زنانه در ارتباط با گفتمان انقلابی به فهمی از الگوی ساماندهی نمادین به تن زنانه دست‌یابیم. این تحلیل نشان داد که گفتمان انقلابی بنا به ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی مقتضی در دوره تکوین خود با الگوی خاصی از نظارت بر تن زنانه هم‌نشان گردید. تحولات پدید آمده در زمینه اجتماعی در سطح درون‌گفتمانی و برون‌گفتمانی و نیز تداوم این هم‌نشانی منجر به بروز چالش‌هایی در گفتمان انقلابی شد. با در نظر گرفتن اهمیت و اولویت گفتمان انقلابی، بازنگری در ساختار درونی این گفتمان به منظور رهاسازی آن از وابستگی به دال‌های آسیب‌زننده ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا دو استراتژی بازسازی، بازگشت به مبدأ و بازسازی بنیادین، پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: تن زنانه، الگوهای نظارتی، انقلاب اسلامی، ناسازدهی گفتمانی.

1. این مقاله منتج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر سید حسین سراج زاده، دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی و مشاوره دکتر فاطمه جواهری است.

2. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

3. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم تهران).

Javadkashi@gmail.com

Sotoodem@yahoo.com

مقدمه و طرح مسأله

بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار یک نظم متکی بر باورهای دینی می‌گذرد. می‌توان هر دهه پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی را بر مبنای مناقشه‌ای خاص از دهه‌های دیگر متمایز کرد. مباحث متعددی هست که در یک دهه، در کانون قرار دارد و سامان‌دهنده منازعات حاد و برانگیزاننده است، و در دهه دیگر فاقد معنا، جاذبه و حساسیت است. اما مسأله حجاب، پوشش زنان و الگوی رفتاری زنان در عرصه عمومی، موضوعی است که هیچ‌گاه از دایره مباحث بنیادین، اساسی و مناقشه برانگیز بیرون نرفته است. دست‌یابی به ساختار بنیادین یک گفتمان سیاسی، با تمسک به این قبیل مباحث امکان‌پذیر است. به اعتبار این تداوم می‌توان مدعی شد که تن زنانه و صورت‌بندی نمادین آن، نسبتی گوهرین با گفتمان بازتولید کننده انقلاب اسلامی دارد. مدعای این نسبت بنیادین تا چه حد پذیرفته است؟ پاسخ به این سوال هم نیازمند مطالعات نظری و هم مطالعات تجربی است. وجوه نمادین بدن زنانه چگونه با تداوم گفتمان انقلابی نسبت برقرار می‌کند؟ توفیق این وجوه نمادین شده تا کجاست و تداوم آن با چه معضلاتی دست به گریبان است؟

پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، اتخاذ نوعی رویکرد درمانی نسبت به ساختارهای برساخته گفتمانی است. اثبات وجه برساخته و غیرذاتی نسبت‌هایی که در موقعیت‌های خاص تاریخی حادث شده‌اند، امکانات تازه‌ای پیش روی گفتارهای بازتولید کننده مناسبات اجتماعی و سیاسی می‌گشایند و از تبدیل شدن یک نسبت حادث شده تاریخی به یک تقدیر دگرگون ناپذیر ممانعت به عمل می‌آورند.

چهارچوب مفهومی: گفتمان سیاسی و تن زنانه

تا زمانی که در یک منظومه دکارتی به دوگانه‌سازی میان ذهن و بدن متعهد مانده باشیم، قادر به درک نسبت میان بدن و گفتمان نخواهیم بود (سعیدی، 1386: 32). ذهن و آنچه به ذهن نسبت داده می‌شود نظیر آگاهی، تصور و زبان به ذهن تعلق دارد و میل و نیاز به بدن. با فرض این دوگانگی، گفتمان یک محصول زبانی و از جنس معانی انتزاع‌یافته از بدن است. به این معنا گفتگو از گفتمان سیاسی و تن و از جمله تن زنانه بی معناست.

برقراری نسبت میان گفتمان و تن، با فراروی از چنان دوگانه‌سازی امکان‌پذیر است. هنگامی که فروید، عناوین، نقش‌ها و سمبل‌های عرصه اجتماعی را صور تصعید شده یک میل سرکوب شده در بدن می‌انگارد، زمینه برقراری نسبت میان گفتار و تنانگی را می‌گشاید. ویتگنشتاین هنگامی که آگاهی را نه حاصل نسبت میان ذهن و جهان خارج، بلکه مواجهه شخص با جهان

خارج می‌انگارد و فرض او بر این است که شخص با جسمانیت خود به جهان روی می‌کند، از دوگانه سازی دکارتی عبور می‌کند و تن را به بخشی از صور زبانی تبدیل می‌کند. هنگامی که مرلوپوینتی، بدن دار بودن را به بخشی سرشتی از نسبت میان فرد و جهان تبدیل می‌کند و مشخصات جهان را به مشخصات موجود شناسای بدن دار تبدیل می‌کند، تنگانگی را به وجهی ساختاری از عالم دار بودن بشر تبدیل می‌کند (یزدخواستی و دیگران، 1387: 133). به این ترتیب مرلوپوینتی، جهاتی نظیر بالا و پائین و دور و نزدیک سوبیه‌های تنانگی ساختار زبانی می‌انگارد.

با این مقدمات، فیلسوفانی نظیر فوکو، می‌توانند از ساختار گفتمانی بدن یا برقراری نسبت میان گفتمان و بدن سخن بگویند. فوکو به عنوان اندیشمند پساساختارگرا بر چگونگی کنترل و سرمایه گذاری قدرت بر بدن‌ها از طریق گفتمان‌ها تأکید می‌کند (الیوت، 2008: 74). او در پی ردیابی «ویژگی‌های ریز¹» قدرت به بدن می‌رسد (نش، 1382: 39).

از نظر فوکو قدرت نوعی چسبیدگی بلافصل با بدن دارد، به گونه‌ای که بدن همواره مورد «سرمایه‌گذاری»، «شانه‌گذاری» و «تربیت» قرار می‌گیرد و برای انجام «وظایف»، «شرکت در مناسک» و «ساطع کردن انواع نشانه‌ها» تحت فشار قرار می‌گیرد. (فاتحی و اخلاصی، 1389: 62). از نظر او، بدن را باید کانون شماری از فشارهای گفتمان تلقی کرد، بدن پایگاهی است که در آن گفتمان‌ها مستقر می‌شوند؛ بدن جولانگاه مبارزه با گفتمان‌هاست (میلز، 1389: 132).

به نظر فوکو، وظیفه تحلیل تبارشناسانه این است که «بدنی را که تاریخ به تمامی آن نقش بسته است عریان کند، و فرایندهای تاریخی فروپاشی بدن را نشان دهد.» وی توجه ما را به این نکته جلب می‌کند که بدن «از حیث تاریخی و فرهنگی، هویت بسیار خاصی دارد.» یعنی، بسته به بسترهای اجتماعی و دوره‌های تاریخی مختلف، نگرش‌ها، تلقی‌ها، و تجربه‌های متفاوتی از بدن می‌توان داشت (میلز، 1389: 135).

این رویکرد امکان بدل شدن بدن به نظامی از نشانه‌ها و حمل معانی کلان را در خود می‌پروراند، از این رو است که بدن و متعلقات آن بستری مستعد برای منازعات جدی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را فراهم می‌آورد. در این زمینه نکات چندی قابل توجه است:

نسبت میان گفتمان و بدن، یا حمل نشانگان بر بدن، یک نسبت رویدادی و وابسته به موقعیت‌های خاص است همواره بدن قابلیت‌های گوناگونی برای حمل معانی دارد و اختیار هر معنا از خلال معانی ممکن، وابسته به شرایط خاص است.

اگرچه معنا، بر بدن بار می‌شود، اما نسبت معنا و بدن نسبتی یک‌به‌یک نیست، گاه معنا از بدن

مازاد دارد و گاه به عکس. این عدم تطابق تام میان بدن و معناست که حمل معنا را با دشواری و منازعه توأم می‌کند.

ناسازگاری تام میان بدن و معنا و حفره همواره موجود میان این دو سبب می‌شود که بدن بستر منازعات گفتمانی باشد و گفتمان‌های رقیب در این حفره‌ها مجال ظهور پیدا کنند. با توجه به این نکات است که در این مقاله، ضمن بررسی وجه رویدادگی نسبت معنا و بدن در گفتمان انقلاب اسلامی، ناسازگی‌ها میان این دو و حفره‌های موجود در این نسبت‌گذاری را موضوع مطالعه قرار خواهیم داد و نسبت میان منازعات گفتمانی طی سه دهه گذشته با حفره‌های این نسبت را موضوع بررسی قرار خواهیم داد.

روش تحقیق

شیوه‌های متنوع تحلیل متنی منجر به تفسیر معانی گوناگونی از متون می‌شوند. از این رو تکنیک تحلیلی دقیق بستگی به موقعیت پارادایمی محقق و هدفش دارد (مارکولا و وسیلک، 2011: 133). تأکید فرکلاف بر گفتمان به عنوان یکی از مولفه‌ها و عناصر امر اجتماعی که با سایر عناصر رابطه دیالکتیک دارد و هیچکدام به دیگری قابل تقلیل نیستند، همچنین نگاه ویژه او به متن¹ که معنایی فراتر از متن نوشتاری را در بر می‌گیرد و رابطه پیچیده‌ای که میان متون و نظم‌های گفتمان در نظر می‌گیرد (فرکلاف، 2006: 25-27) ضروریات تحلیلی این پژوهش را برآورده می‌ساخت. این نگاه را در متأخرترین دیدگاه وی با طرح اصول کلیدی برای تحلیل گفتمان می‌توان مشاهده کرد:

روابط قدرت گفتمانی است: این تا حدودی به این موضوع مربوط است که چطور روابط قدرت در گفتمان به کار گرفته می‌شوند و مورد مذاکره قرار می‌گیرند.

گفتمان جامعه و فرهنگ را استمرار می‌دهد: گفتمان برای تشخیص سه عرصه گسترده زندگی اجتماعی که به لحاظ گفتمانی ساخته شده، کارا است: بازنمایی‌هایی از جهان، روابط اجتماعی بین افراد و هویت‌های اجتماعی و فردی افراد.

گفتمان اثر ایدئولوژیکی دارد: برای تعیین اینکه چطور وقایع گفتمانی خاص اثر ایدئولوژیکی دارند تنها تحلیل متن‌ها کفایت نمی‌کند، بلکه ضروری است چگونگی تفسیر و فهم متون و تأثیرات اجتماعی که آن‌ها دارند در نظر گرفته شود.

گفتمان تاریخی است: گفتمان باید در زمینه‌اش در نظر گرفته شود. گفتمان‌ها همیشه با گفتمان‌های دیگری که پیش‌تر، همزمان و پس از آن‌ها تولید شده‌اند مرتبط هستند. بینامتنیت²

1. text

2. intertextuality

نشان‌دهنده تاریخ‌مندی متون است که بر اساس آن هیچ متنی را نمی‌توان بدون اتکا به متون دیگر فهمید، چرا که همه رویدادهای ارتباطی به نوعی به رویدادهای ارتباطی پیشین ارتباط دارند (بورگنسون و فیلیپس، 2002: 74). در بینامتنیت، متون می‌توانند در هم ادغام شوند یا مرز خود را با هم تعیین کنند این متون ممکن است مشابه، متضاد، انعکاسی کنایه‌ای و غیره باشند (گی، 2008: 58).

گفتمان مفسر و روشنگر است: تفسیر و فهم تنها از دریچه احساسات، عقاید، ارزش‌ها و دانش اتفاق می‌افتد.

گفتمان شکلی از عمل اجتماعی: هدف تحلیل انتقادی گفتمان پرده‌برداری از روابط قدرت است و به لحاظ اجتماعی منجر به پارادیم علمی می‌شود (فرکلاف و دیگران، 2011: 369-373). در این تحقیق سه زاویه دید مرتبط با تحلیل گفتمانی مطرح نظر خواهد بود: ساختار رویدادی هم‌نشان شدن دال‌های مرتبط با تن زنانه در ساختار هژمونیک گفتمان انقلاب اسلامی.

مطالعه سازگاری و ناسازگاری درون گفتمانی در صور دال‌های هم‌نشان. نسبت میان سازمان دال‌ها و تحولات زمینه.

دوران پس از پیروزی انقلاب را می‌توان به سه دوره مجزا تفکیک نمود که هر یک متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند. دوره اول از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن 1357 شروع شده و تا تثبیت دولت جمهوری اسلامی و آغاز جنگ ادامه دارد. دوره دوم در فاصله سال‌های 1358 تا 1368، مقارن است با دوره جنگ تحمیلی و مسأله تهدیدات نظامی خارجی، دوره سوم با رحلت آیت الله خمینی به عنوان شخصیت اصلی انقلاب و تعیین‌کننده سرنوشت بسیاری از جریان‌ها نخستین انقلاب آغاز و با حاکمیت جریان اصلاح‌طلبی در عرصه سیاست در اوایل دهه 70 به پایان می‌رسد. معیار گزینش متون در این مقاله یکی پایگاه نهادی مولف آن‌ها و سپس مرکزیت داشتن توصیف از مناسبات تن زنانه در جامعه است. همچنین تأکید بر متونی بوده‌است که در رابطه با موضوع رویکردی متفاوت و جدیدی اتخاذ کرده‌اند.

موقعیت تاریخی برقراری نسبت میان گفتمان انقلاب اسلامی و تن زنانه

گفتمان مولد نهضت انقلابی در سال 1357 حول حفره‌های جامعه دوران پهلوی سامان پیدا کرد. اما بسته به الگوی اولویت‌گذاری این حفره‌ها ساختار گفتمانی انقلاب معنا، جهت‌گیری و هدف‌گذاری خاصی را دنبال می‌کرد. فقر، انحطاط اخلاقی، وابستگی به بیگانگان و استبداد چهار حفره بزرگی بود که جامعه سازمان‌یافته در دوران پهلوی را مستعد ظهور گفتمان‌های

مقاومت می‌کرد. حول و حوش حفره فقر و شکاف طبقاتی، گفتمان انقلابی رنگ چپ و مارکسیستی به خود می‌گرفت. پیرامون انحطاط اخلاقی، گفتمان انقلابی رنگ دینی اخذ می‌کرد و با محوریت حفره وابستگی به بیگانه، رادیکالیسم ستیزه جو اعم از مارکسیسم و اسلامی در کانون گفتار انقلابی خانه می‌کرد. آزادی دال محوری دیگری بود که گفتمان انقلابی را به افق لیبرالیسم و آزادی‌های مدنی نزدیک می‌کرد و سایر دال‌ها حول آن معنا پیدا می‌کردند. منازعات سیاسی در ایران پس از انقلاب منازعه بر سر نحوه محوریت بخشی به هریک از این دال‌ها و بنابر آن قدرت بخشی به هر گفتارهای سیاسی حامل این اولویت‌ها بود. صورت بندی‌های گفتاری بسیج‌کننده در عرصه سیاسی، هر چهار حفره مذکور را مد نظر داشتند. اما الگوی نوبت‌دهی و اولویت بخشی به هریک از این دال‌ها مسیر پاسخ دهی به حفره‌های دیگر را تعیین می‌کرد. از منظر گروه‌های چپ، قدرت بخشی به نیروهای پرولتری، زمینه استحکام عرصه داخلی برای مبارزه با امپریالیسم را فراهم می‌کرد و در عرصه مبارزه، اخلاق اجتماعی نیز ارتقاء پیدا می‌کرد. از نظر نیروهای ستیزه جو و ضد امپریالیست، سازماندهی جمعی برای مبارزه در داخل و عرصه بین‌المللی با امپریالیسم، منافع دراز مدت نیروهای زحمت‌کش را فراهم می‌ساخت و در همین حال، اخلاق عمومی نیز اخلاق متعالی مبارزه تحویل می‌شد. از نقطه نظر نیروهای مذهبی، پاک کردن جامعه از مفاسد اجتماعی و تولید یک جامعه در بنیاد معنوی، هم امکان پر کردن شکاف‌های طبقاتی را فراهم می‌کرد، هم سوزاننده ریشه‌های وابستگی به بیگانگان بود. سرانجام از منظر جناح‌های لیبرال بسط آزادی‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند زمینه تحقق همه دال‌های دیگر را فراهم کند.



نمودار شماره (1) دال‌های محوری مورد منازعه در انقلاب اسلامی

برقراری نسبت میان گفتمان سیاسی استقرار بخشنده به نظم پس از انقلاب با تن زانه، وابسته

به تعیین تکلیف منازعه بر سر مرکزیت دال‌های فوق است. دینی شدن ساختار گفتمانی و قدرت‌گیری حاملان اجتماعی و سیاسی آن، مشروط به آن بود که دال‌عریانی به منزله دال‌کانونی همه مصائب دوران پهلوی بازنمایی شود. این الگوی بازنمایی همراه با منازعات عینی در صحنه سیاسی، سرانجام بر سایر الگوهای بازنمایی تفوق‌یافت و تن‌زنانه به منزله دال‌کانونی سایر دال‌های بسیج‌کننده را پوشش داد.

الگوی بازنمایی فوق، چندین سال پیش از شکل‌گیری انقلاب و پیروزی آن ریشه داشت. از مهم‌ترین انتقادات نیروهای مذهبی نسبت به گفتمان مدرنیزاسیون شاه به گسترش فساد، فحشا و بی‌بندوباری معطوف می‌شد. تأکید این گفتمان اتوپیا، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بر جامعه‌ای عاری از هرگونه وجوه جنسی تن‌زنانه یا همان «جامعه پاک» بود. این گفتمان جامعه‌ای ایده‌آل را به تصویر می‌کشید که زن بدون آلودن عرصه عمومی به وجوه جنسی بدنش در آن حضور فعال دارد و در عرصه خصوصی نیز در جایگاه والای مربی فرزندان و معشوق همسرش نقش ایفا می‌کند (سراج زاده و دیگران، 1391).

با پیروزی انقلاب اسلامی و تفوق گفتمانی دال‌متکی بر پاکیزه‌سازی ساختار اجتماعی و فرهنگی، که شرط اسلامی‌سازی گفتمان انقلاب بود، می‌رفت تا سرنوشت فضای استعاری برساخته شده پیش از انقلاب اسلامی را در تمامی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و به طور خاص دال‌تن‌زنانه مشخص نماید. انتشار 6990 عنوان حول موضوع زنان از سال 1359 تا 1374 (دفتر مطالعات توسعه و رسانه‌ها: 1376) یکی از نشانه‌های قرار گرفتن زن در کانون سخن‌پردازی است و اهمیت نقش او در ساختار گفتمانی جدید است. در این زمینه ضرورت دارد فرایند منازعات و محوریت‌یابی گفتمان پاک و معنوی سازی عرصه عمومی را به منزله گامی اساسی در تفوق روایت اسلامی از منظمه انقلاب را مورد بررسی قرار دهیم.

فرایند تاریخی منازعات پیرامون دال مرکزی

مطالعه منازعات اولیه انقلاب به خوبی حاکی از دو الگوی رقیب پیرامون دو روایت از ساختار گفتمانی انقلابی است. یکی بر محور دلالت مرکزی آزادی، در تلاش است تا فرایند تثبیت گفتمانی را بدون برقراری نسبت با تن‌زنانه هدایت کند و دیگری به خلاف، با محوریت کردن ضرورت معنوی سازی عرصه اجتماعی، تن‌زنانه را به منزله استوانه اصلی موضوع توجه قرار می‌دهد.

آیت‌الله خمینی در راستای تغییر الگوهای سابق پوشش زنان مطابق ارزش‌ها و طرد تمام مظاهر فساد و فحشا از جامعه علاوه بر توصیه زنان به رعایت حجاب در عمل نیز با دادن فرصتی برای ایراد سخنرانی به مریم بهروزی (صدر، 1388: 16) سیمای مطلوب زن در جامعه

را به تصویر می‌کشد. روزنامه کیهان به نقل از آیت الله خمینی نوشت: «آنطوری که برای من نقل می‌کنند باز همان صورت زمان طاغوت را دارد، در وزارتخانه اسلامی نباید معصیت بشود، در وزارتخانه اسلامی نباید زن‌ها لخت بیایند، زن‌ها بروند اما با حجاب باشند، مانعی ندارد بروند کار کنند لیکن با حجاب شرعی باشند، در حفظ جهات شرعی باشند» (کیهان، 1357/12/16).

تقارن سخنان رهبر انقلاب با 8 مارس، روز جهانی زن، مراسم این روز را به حرکت‌های اعتراض آمیز گروهی از زنان سکولار بدل کرد (شهشهانی، 1376: 6). راهپیمایی اعتراض آمیز به حجاب اجباری در این روز در تهران و برخی شهرستان‌ها برگزار شد و جمعی از آن‌ها پس از تجمع در دانشگاه تهران و اعلام نظر خود درباره حجاب اجباری به سوی دادگستری حرکت کردند (احمدی خراسانی و اردلان، 1382: 347). اجتماع زنان و دختران در دادگستری ضمن ستایش از رهبری امام خمینی می‌گفتند عفت زن حجاب حقیقی اوست (کیهان، 1357/12/17).

سر انجام در گردهمایی روز نوزده اسفند ماه در مقابل کاخ دادگستری، زنان طی قطعنامه‌ای اعلام می‌دارند:

«نظر به اینکه انسان آزاد آفریده شده و موهبت آزادی صرف نظر از جنس، رنگ، نژاد و زبان و هر نوع عقیده‌ای به همه آدمیان یکسان ارزانی شده است.»

«... نظر به اینکه در روزهای سخت و بحرانی این مملکت زنان مبارزات و فداکاری‌های چشمگیری از خودشان نشان داده‌اند که مورد تأیید رهبر انقلاب بوده‌است و به گواهی پیام‌ها و اعلامیه‌هایی که صادر فرموده‌اند وعده آزادی، برابری و برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی را به زنان داده‌اند و حتی صریح متذکر شده‌اند که هزار و چهار صد سال به عقب بر نمی‌گردد. اینک زنان ایران خواست‌های خود را به شرح قطعنامه زیر اعلام می‌کنیم.»

«ما زنان که دوش به دوش مردان و ظائف اجتماعی خود را در قبال کشور انجام می‌دهیم و در خانه تربیت نسل آتی مملکت را عهده داریم دارای اهلیت کامل هستیم و بر حفظ شئون و شخصیت شرافت خود وقوف کامل داریم. و با ایمان راسخ به لزوم حفظ حیثیت زنان معتقدیم که عفت زن در فرم و شکل پوشش خاصی متجلی نمی‌شود. و پوشش متعارف زنان باید با توجه به عرف و عادت و اقتضای محیط به تشخیص خود آن‌ها واگذار شود...» (اطلاعات، 1357/12/19).

محور قطعنامه زنان با توجه به متن آزادی، برابری و برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی است که به اشکال مختلف و در زمینه‌های متعدد به آن اشاره شده است. از جمله آن تأکید بر آزادی در انتخاب پوشش و تأکید بر عدم اجبار یا هر نوع تعیین تکلیف نسبت به نوع آن دارد. اینکه خود زنان با توجه به سوابق خود در انقلاب اهلیت کامل در رابطه با انتخاب پوشش خود دارا هستند.

در واکنش به اعتراض حجاب اجباری جناح مذهبی و مقامات سیاسی سعی در روشن کردن مواضع انقلاب اسلامی نسبت به حجاب می‌کنند، اما همان‌طور که دیده خواهد شد این موضع‌گیری به دلیل عدم یک‌دستی در مواضع سخنگویان مهم انقلاب دچار تشتت و اختلاف است. اقدام زنان در واکنش به حجاب اجباری که به طور ضمنی مطرح شد موجب برانگیختن واکنش گروه مقابل شد تا به این ترتیب موضع خود را در برابر اقدام گسترده آن‌ها شفاف و بازنگری کند.

آنچه از منظر پژوهش ما حائز اهمیت است، استراتژی‌های گفتمانی از سوی سخنگویان رسمی برای پوشش دادن به ایده آزادی در پرتو دال مرکزی پوشش و حجاب است. در این زمینه می‌توان مواضع رسمی را از حیث میزان حضور ایده آزادی در سنتز گفتمانی با دال مرکزی پوشش و معنویت به سه موضع حداکثری، میانه و حداقلی طبقه‌بندی کرد. حضور و صف آرای هم‌زمان این سه موضع این امکان را فراهم ساخت تا به حاشیه‌رانی گفتمان رقیب با توفیق بیشتری صورت بپذیرد.

اول: موضع حداکثری

موضع حداکثری به الگویی مرتبط است که تلاش می‌کند حتی الامکان مقوله پوشش زنانه را با حداکثر امکان باور به آزادی‌ها جمع کند. در این زمینه می‌توان به موضع‌گیری حجت الاسلام اشراقی داماد امام خمینی در مصاحبه‌ای توجه کرد:

« من فکر می‌کنم این کار صحیحی نباشد که عده‌ای بخواهند با تندروری و شدت عمل جلوی خانم‌ها را بگیرند. باید حجاب رعایت شود و قوانین اسلامی مو به مو اجراء گردد و در همه موسسات و ادارات و مدارس و دانشگاه‌ها به این موضوع توجه شود، اما حجاب باید در نظر داشت که به معنی چادر نیست همی‌قدر که موها و اندام خانم‌ها پوشانده شود و لباس آبرومند باشد حالا به هر شکلی که باشد مهم نیست چادر چیز متعارفی است و بسیار خوب است. اما به خاطر طرز کار و نوع کار خانم‌ها شاید گاهی پوشاندن بدن و مو به طریق دیگر هم حجاب باشد حرفی نیست. باید طبق نظر مبارک امام حجاب اسلامی در سطح کشور توسط خانم‌ها با اشتیاق اجراء شود. ولی مردم هم نباید منکر را با منکر دیگر دفع کنند. باید با روش مسالمت آمیز و نصیحت و راهنمایی خانم‌ها را تشویق کرد که حجاب اسلامی داشته باشند. اما اگر در این مورد توهینی به خانم‌ها بشود آن خودش منکر است.»

« در مورد اقلیت‌های مذهبی همیشه نظر مبارک امام این بوده که آن‌ها از هر حیث مورد احترام و حمایت باشند و امام همیشه توصیه اقلیت‌های مذهبی را می‌فرمایند آن‌ها از نظر ما محترم هستند و مال و جانسان محترم است. آن‌ها باید با کمال آزادی زندگی کنند. اما اگر خانم‌های اقلیت‌های مذهبی هم رعایت حجاب اسلامی را بکنند چه بهتر» (کیهان، 1357/12/17).

ملاحظه می‌شود که در گفتار بالا، مقوله پوشش به یک ترجیح اخلاقی تبدیل شده است و نسبت خود را با الزام و محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی به حداقل رسانیده است. به همین

جهت از آن تحت عنوان الگوی حداکثری در برقراری نسبت میان پوشش و آزادی یاد کردیم. در این گفتار، ملاحظه می‌کنیم که: تندروی در مواجهه با حجاب نادرست دانسته شد. الزام چادر نفی شد. پوشاندن در حد مو و اندام خانم‌ها با هر لباسی. اهانت برای حجاب نادرست دانسته شده. اقلیت‌ها در رعایت حجاب آزادند. در کنار این الگوی حداکثری از برقراری نسبت میان پوشش و آزادی، با موضع میانی در این زمینه مواجهیم که اگرچه دال آزادی در ترکیب آن حاضر است، اما نسبت به الگوی حداکثری، کم‌رنگ‌تر است.

دوم: موضع میانی

نماینده دولت، عباس امیر انتظام یکی از مصادیق اختیار الگوی میانی است. عباس امیر انتظام، در مصاحبه‌ای نظر دولت و نخست وزیر را « در مورد حجاب خانم‌های کارمند و مراجعان به ادارات » اعلام کرد:

« بدیهی است که نخست وزیر و خانواده ایشان از قدیم طرفدار و مشوق و مقید به حجاب در حد معقول و عملی و صحیح اسلامی بوده‌اند. ولی ایشان و همه آقایان و زرا معتقد و عامل به آیه کریمه می‌باشند و دستور اجبار برای خانم‌ها صادر نمی‌نمایند. اعلام صریح دو روز قبل آیت الله خمینی که احدی حق تعریض و مزاحمت به خانم‌ها را ندارد موید عمل دولت بر عدم الزام خانم‌های کارمند و مراجعین به ادارات می‌باشد. البته نمایشگری و عربانی و جلفی مسئله دیگری است که مسلماً در ایران بعد از انقلاب اسلامی و از دولت‌های اسلامی نمی‌تواند جواز و پذیرش داشته باشد» (کیهان، 57/12/20).

به این ترتیب دستور حجاب اجباری مورد تردید واقع شد و تنها به عنوان گزینه‌ای مطلوب بیان شد. در این زمینه به مواضع آیت الله طالقانی نیز می‌توان اشاره کرد: آیت الله طالقانی هم در یک مصاحبه رادیو-تلویزیونی با استناد به آیات قرآن درباره حجاب زن در ادارات گفت:

« در مورد حجاب اجباری در کار نیست... اگر بخواهیم مسأله حجاب را از جهت اسلامی و ملی بحث کنیم یک مسأله سنتی و تاریخی است که در عمق تاریخ ما و تاریخ شرق همیشه زن‌های ما دارای یک نوع حجاب بوده‌اند. حجاب به معنای عامش، و نه مخصوص چادر و وضع خاص، یعنی حفظ عفاف و حفظ وقار و شخصیت زن همیشه در ایران و کشورهای شرقی اسلامی و غیر اسلامی بوده... اشتباه می‌کنند خانم‌های ما که اگر یک روسری روی سرشان بگذارند این‌ها از حیثیت آن‌ها کم خواهد شد و از شخصیت‌شان کاسته خواهد شد. نه، بلکه از این جهت که قطع نظر از مسلمان بودن حافظ سنت شرقی هستند و این سنت شرقی اصالت است. اگر یک کشور بخواهد مستقل باشد معنایش اینست که سنتش را

حفظ کند، معارف را حفظ کند، شخصیت‌ها را حفظ کند.»

آیت الله طالقانی سپس به ضرورت حجاب زنان اشاره کردند و افزودند:

«این حجاب اسلامی یعنی وقار، حجاب شخصیت، ساخته من و فقیه و این‌ها نیست، نص صریح قرآن است، آیه حجاب برای شخصیت دادن به زنان است، شخصیت انسانی و ملیش در کشورهای ما، اگر ما می‌خواهیم سر تا پا مقتدر باشیم، خوب بشویم، اما اگر بخواهیم همانطور که به خودمان برگشتیم، به خودمان رجوع کردیم، به فرهنگ خودمان می‌خواهیم برگردیم و قدرتمان می‌خواهیم از خودمان باشد، استقلال ما باید از خودمان باشد، سنت‌های خودمان را باید زنده کنیم. آیا این مانع از آن است که کاری اداری داشته باشند، نه مانع از این است که کار فرهنگی داشته باشند. نه، به شرطی که در راه خدمت باشد. ما اسلام، قرآن و مراجع دینی می‌خواهد زنان ما شخصیتشان حفظ بشود اصل مسأله اینست که هیچ اجباری هم در کار نیست و مسأله چادر هم نیست» (اطلاعات، 20/12/1357).

در پی سخنان آیت الله طالقانی، دستور دادستان کل انقلاب مبنی بر تعقیب کسانی که مزاحم خانم‌های بدون حجاب می‌شوند و هم چنین اعلامیه دفتر امام خمینی که مزاحمین بانوان به شدت مجازات خواهند شد، برای آن دسته از بانوان و اشخاصی که این سوء تفاهم برای آن‌ها پیش آمده بود که استفاده حجاب برای زنان اجباری می‌شود اطمینان خاطر به وجود آورد. اتحادیه زنان حقوقدان ایران در 20 اسفند با صدور اعلامیه‌ای ضمن تشکر از آیات عظام، دولت و خواهران مبارز، مسئله تحمیل حجاب را پایان‌یافته تلقی کرد. موضع مهندس مهدی بازرگان نیز در این زمینه جالب توجه است:

خبرگزاری فرانسه نوشت: «نخست وزیر ایران روز گذشته در قم ضمن ملاقات با آیت اله خمینی در مورد اساسنامه برای زنان ایران گفتگو کرده و تمام حقوق و آزادی آنان تضمین شده است» (کیهان، 11/1/1358).

سوم: موضع حداقلی

آنچه پس از تصویب رفراندوم عمومی اتفاق افتاد هم از حیث نظم گفتاری و هم از حیث کرداری، از جنس حداقلی و مقتضی بیشترین حضور دال پوشش و معنوی سازی عرصه عمومی و حضور اندک دال آزادی بود. از نیمه دوم فروردین 1358 طرح‌هایی چون ممنوعیت قضاوت برای زنان، پاکسازی در مطبوعات، طرح جدید گزینش دانشجو، زنانه مردانه کردن دریا، ممنوعیت برگزاری تظاهرات و اجتماعات در دانشگاه تهران و... اجرا شد.

در راستای پاک سازی جامعه از کلیه نمادهایی که نشان از تن جنسی زنانه و فراتر از آن نشانگان مدرنیته بر ساخته شده در دوره پهلوی داشت، محل زندگی روسپیان تخریب، و کلیه آنان جمع آوری شدند (اطلاعات، 24/8/1358). همچنین در اعلامی، «دعوت از زنان آوازه خوان و رقاصه در اماکن، پذیرفتن مردان با زنان رفیقه در مراکز عمومی، به دام انداختن دختران و زنان، الصاق

عکس‌های هنرپیشه‌های نیمه عریان و خلاف ادب اسلامی بر تابلوی سینماها، چاپ عکس‌های محرک شهوت در مجلات ممنوع شد» (اطلاعات، 1358/10/22).

به دنبال صدور فرمان انقلاب اداری در 8 تیرماه 1359 از سوی آیت الله خمینی به منظور پاکسازی ادارات دولتی از زنان بی‌حجاب و طاغوتی، در بخش‌نامه‌هایی در این زمینه از زنان خواسته شد که طی مهلتی 10 روزه با رعایت ضوابط و شعائر اسلامی بر سر کار خود حاضر شوند و فردای آن روز ورود زنان بدون پوشش اسلامی به ادارات و سازمان‌های دولتی از سوی شورای انقلاب ممنوع اعلام شد (کیهان، 1359/4/16).

زنان بار دیگر در اعتراض به تصمیم دولت مبنی بر اجباری کردن حجاب در ادارات دولتی در مقابل ساختمان نخست وزیری تجمع کردند که به گزارش کیهان حضور هزاران نفر از مردم مسلمان تهران در محل آن‌ها را متفرق ساخت (کیهان، 1359/4/17). دادگاه ارتش، زانی را که به تبعیت از صدای آمریکا و اسرائیل، در اعتراض به حجاب اسلامی، سیاه پوشیده بودند اخراج نمود (اطلاعات، 1359/4/18). و بالاخره پس از پایان گرفتن مهلت 10 روزه بررسی پوشش بانوان در ادارات آغاز شد (کیهان، 1359/4/22).



نمودار شماره (2) مفصل‌بندی الگوی‌های ممکن نظارت بر تن زنانه در دوره اول (1357 تا 1359)

ساماندهی به تن زنان در دوره تثبیت

ساماندهی نهایی به تن زنانه به محض تفوق گفتمانی اخلاقی سازی میراث به جا مانده از نظام پهلوی آغاز می‌شود. در این دوره است که حلقه دال‌های گوناگونی که هریک برای کانونی شدن

بایکدیگر ستیز می‌کنند، سرانجام حول دال پوشش گرد هم می‌آیند و به تدریج پوشش به منزله دال کانونی تامین کننده و معنابخش به دال‌های رقیب فرض می‌شود. گزاره‌های موجود در این دوره را در دو بخش می‌توان مورد بررسی قرار داد: اول؛ حضور در عرصه عمومی که به شدت مورد نظارت قرار می‌گیرد. دوم؛ مشخصات زن در عرصه خصوصی و موقعیتی که برای او در نظر گرفته می‌شود. بررسی همزمان این دو عرصه به دلیل رابطه معکوس آن‌ها در این گفتمان است، یعنی به موازات رانده شدن زن از عرصه عمومی، نقش او در عرصه خصوصی مهم و حیاتی نمایانده می‌شود.

زن در عرصه عمومی

در این دوره تن زن دال ارزش‌هایی چون اسلام، انقلاب، شهدا و شرافت و شخصیت وی قرار می‌گیرد. از این رو تلاش می‌شود که برای نشان دادن قدرت هرچه بیشتر حکومت و یکپارچگی جامعه جزئیات پوشش زنان به دقت مورد گفت و گو قرار گیرد اینجاست که تعبیر فوکو در رابطه با هیستریک شدن بدن زنان¹ می‌تواند مصداق داشته باشد. بنابراین با هر نشانه‌ای که به غیر از حجاب تعریف شده باشد، مقابله می‌شود.

اول؛ نشانه شرف و شخصیت

آیت الله صانعی، دادستان کل کشور در دیدار با خواهران شرکت کننده، در سمینار مسائل زن از دیدگاه اسلام:

« امروز این چادرهای مشکی شما، ارزش و شخصیت دارد. دیروز این چادرهای مشکی شما را می‌سوزاندند و دفن می‌کردند، ولی امروز چادرهای مشکی، شرف و شخصیت دارد» (اطلاعات، ۱۳۶۲/۱/۲۱).

دوم؛ نشانه انقلابی بودن

نطق پیش از دستور، خانم عاتقه صدیقی (رجائی)، نماینده مردم تهران:

«ای خواهران، رعایت حجاب، کمترین وظیفه‌است که نسبت به انقلاب دارید» (اطلاعات، ۱۳۶۱/۱۲/۲۷).

اظهارات دادستان کل انقلاب اسلامی، حجت الاسلام موسوی تبریزی، در ارتباط با خانم‌های بی حجاب:

« آن خانم بی حجابی که با وضع بدی بیرون می‌آید، عملاً مانند تابلویی است که کسی بردارد و روی آن

1. چهره نخست از توجه به امرجنسی که موضوع های مهمی را برای دانش و اقدامات مرتبط با آن فراهم آورد (فوکو، 1388: 123).

بنویسد «مرگ بر انقلاب اسلامی» یعنی آن خانم بی‌حجاب و موهای سرش، عین نوشته مرگ بر انقلاب اسلامی است و امت حزب الله هم، آن را قبول نمی‌کند. مردم، جوابش را می‌دهند و اگر یک روز، یک ماه، دو ماه تحمل کردند دیگر تحمل نخواهند کرد. این‌ها نمی‌خواهند خیابان‌هاشان دوباره مثل زمان شاه بشود» (اطلاعات، ۱۳۶۲/۱/۸).

سوم؛ مبارزه با استعمار

استعمارستیزی و کسب استقلال یکی از دال‌های مهم در چرخش شبکه دال‌ها بود، در این زمینه مشاهده می‌کنیم که حجاب به منزله یکی از ابزارهای مبارزه با استعمار ساخته می‌شود. به تیرهای روزنامه‌های آن روز می‌توان از این منظر توجه کرد:

اشاعه فحشاء و ترویج فساد یکی از ابزارهای استعمار (مکتب اسلام، بهمن 1362) فرهنگ عریان‌گرا، ره‌آورد کهنه استعمار (کیهان، 1363/10/17).

بدحجابی، بخشی از توطئه استکبار علیه انقلاب اسلامی (اطلاعات، 1365/3/7)

حجت الاسلام محتشمی پور وزیر کشور در این زمینه می‌گویند:

«ملت مسلمان ما، به هیچ وجه، اجازه نمی‌دهد، پدیده استعماری بدحجابی، در کشور ما حاکم شود» (اطلاعات، ۱۳۶۶/۱/۲۷).

بخش دوم: زن در عرصه خصوصی

زن در عرصه خصوصی حول دال مادری، پرورش دهنده و مربی مرد، کدبانوگری و ... شکل می‌گیرد. کلیه مفاهیم مورد استفاده در این دوره سعی در زدودن جامعه از تن زنانه در راستای ایده جامعه پاک دارد. چرا که با حضور پر رنگ زن در عرصه خصوصی و ارزش و اهمیتی که در این دوره برای این حضور در نظر گرفته می‌شود مجال کمتری برای حضور در عرصه عمومی خواهد بود.

اول؛ محل مادری

مادری یکی از محورهای اصلی در تثبیت نقش زن در عرصه خصوصی است. در این زمینه به مقاله‌ای در مجله زن روز اشاره می‌کنیم:

«خداحافظی با قرص ضد حاملگی

تعداد خانم‌هایی که دست از استعمال قرص ضد حاملگی کشیده و به روش‌های بی‌ضرر قدیمی رو آوردند به مرور زمان بیشتر می‌شود.

...بنا به قول پروفیسور هنزومولینسکی این مسئله، از آرزوی ناخودآگاه داشتن بچه سرچشمه می‌گیرد و دلایل دیگر، وجود گزارشات و خبرهایی ناشی از مضرات و خطرات این قرص است که خانم‌ها را نسبت به این قرص کاملاً بی‌اطمینان می‌کند» (زن روز، ۱۳۵۹: ش، ۷۶۹).

دوم؛ پیشرفت مردان

در یکی دیگر از مقالات مجله زن روز زنان در خانه به منزله پایگاهی برای پیشرفت مردان وانمایی می‌شوند:

« زنان همواره الهام بخش مردان بوده‌اند.»

فرازهایی از آخرین متن دستخط استاد شهید مطهری در مورد «زن»، که در صبح روز شهادت به رشته تحریر درآورده‌اند.

«.. زنان در طول تاریخ تنها مولد و زاینده‌ی مردان و پرورش دهنده جسم آن‌ها نبوده‌اند، بلکه الهام بخش و نیرو دهنده و مکمل مردانگی آن‌ها بوده‌اند. زنان از پشت صحنه و از پشت جبهه جنگ همواره به مردان مردانگی می‌بخشیده‌اند.»

زن نقش سازندگی غیر مستقیم تاریخی خود را مدیون اخلاق ویژه جنسی خویش یعنی حیا و عفاف و تقوا و دورباش زنان خویش است، آنجا که زن دورباش حیا و عفاف را حفظ نکرده و خود را به ابتذال کشانده این نقش تاریخی را از دست داده‌است...» (زن روز، ۱۳۶۱، ش: ۸۶۱).

در زن روز صفحه‌ای با نام گفتار معصوم باز می‌شود که در آن ارزش‌های زن خوب در جایگاه همسر مورد تصریح و تأکید قرار می‌گیرد. در این احادیث تنها وظائف زن خوب در برابر همسرش و در عرصه خصوصی بیان می‌شود. اهمیت این مسأله از این دیدگاه است که سنت به عنوان یکی از کانون‌های اصلی سخن پیرامون موضوع تن زنانه در نظر گرفته می‌شود که در این دوره به طور گسترده امکان گسترش پیدا می‌کند. به طور کلی محور این احادیث را می‌توان به قرار عشق، فداکاری، سازشگری، تأمین نیازهای جنسی، فرزندآوری، قناعت، رضایت و اطاعت دانست.

سوم؛ همسری

تاکید بر نقش محوری زن در خانواده به منزله همسری دیگر از محورهای بنیادین این ساختار گفتاری است.

« زن و خانواده

...رسول اکرم(ص) بهترین زنان شما زن‌هایی هستند که دارای عشق و محبت باشند.

حضرت صادق(ع) در دنیا چیزی بهتر از همسر شایسته وجود ندارد. زنی که شوهرش از دیدار او مسرور و شاد گردد.

اما صادق(ع) بهترین زن‌های شما زنی است که وقتی شوهرش چیزی آورد سپاسگزاری کند و اگر نیابد راضی باشد.

حضرت باقر(ع) بر زن لازم است خودش را خوشبو کند، بهترین لباس‌ها را بپوشد، به بهترین وجه زینت کند و با چنین وضع صبح و شب با شوهرش ملاقات کند.

حضرت رضا (ع) یک دسته از بهترین زن‌ها آن‌هایی هستند که زیاد بچه‌دار می‌شوند، مهربان و با عاطفه هستند، در سختی‌ها و پیش آمدهای روزگار پشتیبان شوهرشان هستند. به زیان او کار نمی‌کنند و گرفتاری‌هایش را زیاد نمی‌گردانند...» (زن روز، ۱۳۶۱: ش ۸۶۲).

چهارم: عرصه غیرت ورزی مردانه

دال دیگر در شبکه گفتمانی مذکور تکیه بر غیرت به منزله شاکله اساسی حفظ حریم خصوصی خانواده است:

« غیرت از ایمان است و بی‌بندوباری از نفاق... یکی از وظائف سنگین هر فرد مسلمان این است که دین و زن و فرزند و مال خود را از گزند حوادث و دستبرد اجانب حفظ نموده و همواره در حراست و نگهداری آن‌ها بکوشد. و گرنه بی‌بندوباری در تمام شئون زندگیشان رخنه کرده و انواع تباهی‌ها به بار می‌آورد... در میان همه ادیان آسمانی جهان تنها آئینی که با مقررات خود می‌خواهد پیشگیری از انواع تباهی‌ها کند و همه چیز را در جای خود ببیند و از هرگونه بی‌بندوباری جلوگیری کند اسلام است که یکی از برنامه‌های آن را به نام « غیرت » می‌خوانید.»

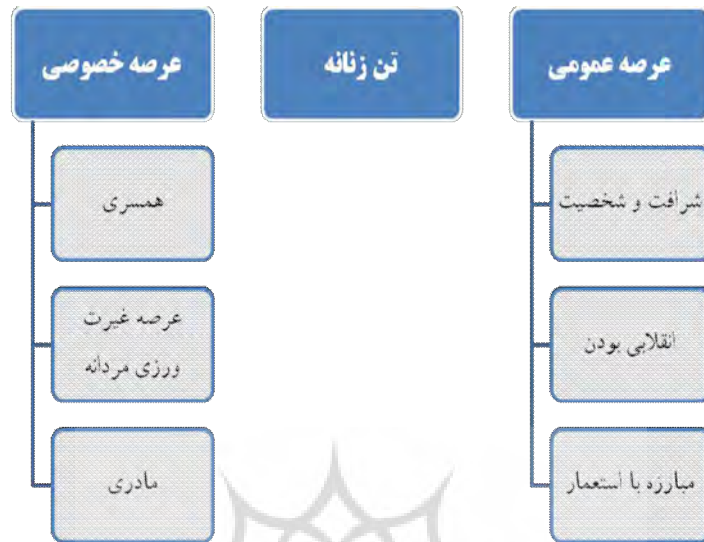
که حضرت رسول اکرم پیشوای راستین اسلام فرمود:

«... باز در همین رابطه فرمود: به راستی که خدا شخص غیرتمند را دوست دارد» (زن روز، ۱۳۶۱: ش، ۸۶۸).

در دوره دوم بحث (از سال 1360 تا 1368) چنانچه ملاحظه شد دال‌های شناور با همگنی قابل ملاحظه‌ای حول دال مرکزی تن زنانه مفصل بندی می‌شوند. در این دوره به دلیل درگیری جامعه با بحرانی بزرگتر و حضور شخصیت آیت الله خمینی به عنوان مرجع مهم حل یا حداقل به حاشیه راندن اختلافات موجود در گفتمان ایدئولوژیک، گویی از جانب جامعه واکنش یا بازخوردی نسبت به تجویزهای موجود دیده نمی‌شود. اطمینان از عدم حضور مقاومت جدی را اگرچه نمی‌توان در رسانه‌ها پی‌گیری کرد چرا که جامعه به لحاظ شرایط پس از انقلاب هنوز تک صدایی است اما می‌توان از نوع تجویزها که صبغه قضائی و قانونی و انتظامی ندارند متوجه شد.

همچنین تعریف جدید زن در تنها مجله تخصصی بانوان پس از انقلاب یعنی زن روز در عرصه عمومی محدود به زن مبارز در پشت صحنه یا جبهه‌ها می‌شود و در عرصه خصوصی با نقش پر رنگ مادری و همسری و کدبانوگری دیده می‌شود.

محو تن زنانه در راستای پاکسازی جامعه تا به آنجا پیش می‌رود که سعی می‌شود چهره پوشیده زن در تمامی زمینه‌ها حتی در مجلات تخصصی آن‌ها نیز دیده نشود و تصاویر مردان بر روی جلد آن‌ها مندرج می‌گردد (زن روز، ش: 769,775) همانطور که قبلاً نیز ذکر شد این موضوع به تعبیر فوکو نشان از هیستریک شدن بدن زنان دارد.



نموادار شماره (3) مفصل‌بندی الگوی نظارت بر تن زنانه در دوره تثبیت (1360-1368)

ناسازدهای درون و برون گفتمانی

با رحلت آیت الله خمینی به عنوان شخصیت مهم انقلاب اسلامی که تا حدود زیادی عناصر سنتی و مدرن در مباحث گوناگون از جمله تن زنانه در زیر چتر گفتمانی ایشان جمع می‌شدند و همچنین پایان جنگ ایران و عراق دوران تازه‌ای آغاز می‌شود. در این دوران تازه، عوامل برون گفتمانی و ناسازدهای درون گفتمانی، زمینه گسست‌ختگی‌هایی را در درون گفتمان نظارت بر تن زنانه را فراهم می‌سازد. جوانب مذکور را موضوع توجه قرار می‌دهیم.

جوانب برون گفتمانی

واقع این است که توفیق دال پوشش در سایه انداختن بر دال‌های دیگر نظیر استعمارستیزی و آزادی و عدالت، ناشی از اضطراب‌های عینی در این دوران است. فضای حاد منازعات ماه‌های نخست انقلاب، و به ویژه هشت سال جنگ، مفاهیمی نظیر ایثار، فداکاری، شهادت در کانون جای می‌گیرند. مفاهیم مذکور توأم با شرایط اضطرابی جنگ، اقتدار مردانه و بازتولید گفتار کنترل کننده بر تن زنانه را استحکام می‌بخشند. اما با نزدیک شدن به اواخر جنگ، کاستی گرفتن حرارت جبهه‌های نبرد و سرانجام وفات رهبر کبیر انقلاب، استحکام درون گفتمانی گفتار مذکور رو به فتور و سستی می‌گذارد.

پایان دهه شصت در عین حال همراه با موقعیتی است که به تدریج نسل تازه‌ای به میدان می‌آیند. دختران و پسرانی که در دوران انقلاب کمتر از ده سال دارند، در پایان دهه شصت به

سن جوانی می‌رسند. نسل مذکور خاطره روشنی از انقلاب ندارند. از گفتمان جنگ نیز به نحو موثر تاثیر نپذیرفته‌اند. اگرچه دوران کودکی خود را در کوران آغاز جنگ گذرانده‌اند. با به میدان آمدن این نسل، مطالبات تازه‌ای به میان می‌آید. بخشی از نسل مذکور تلاش دارد فضای اضطراری ساخته شده در دوران جنگ را پشت سرگذارد و سبک زندگی تازه‌ای را بنیان نهد. به میدان آمدن نسلی تازه، و سست شدن شبکه دال‌های همبسته ساز حول و حوش گفتمان جنگ، با مقتضیات تازه خود نظام جمهوری اسلامی نیز همراه می‌شود. پایان جنگ با آغاز دولت آقای هاشمی رفسنجانی و گفتمان سازندگی همراه می‌شود. گفتمانی که تلاش دارد به جای جنگ، تولید، به جای فداکاری، کار و به جای شهادت موفقیت و خلاقیت را جانشین کند. گسترش آموزش، و مشارکت و توفیق روزافزون دختران در عرصه‌های تحصیلی به فرایندی در جامعه ایرانی قوت بخشید که تحت عنوان زنانه شدن عرصه عمومی می‌توان از آن سخن گفت. آموزش به خلاف جنگ، پدیده‌ای صرفاً مردانه نبود و زنان در عمل توانایی خود در موفقیت‌های تحصیلی را به صحنه آوردند. زنانه شدن عرصه عمومی همچنین به معنای حضور بیشتر زنان در عرصه مشاغل اجتماعی و فرهنگی نیز بود. این تحولات محصولات فرهنگی این دوره را نیز تحت تاثیر خود قرار داد. می‌توان با تحلیل محصولات نظیر فیلم و آثار ادبی نظیر رمان نشان داد که زنان هم در تولید و هم در مصرف، و هم در مضامین محصولات فرهنگی حضور بیشتری دارند.

در این زمینه باید نیم نگاهی نیز به تحولات بین‌المللی داشت. فروپاشی اتحاد شوروی و افول گفتمان چپ، و همراه با آن گسترش شتاب زده گفتمان لیبرال دموکراسی غرب نیز در دگرگون سازی محیط استیلای گفتمان متکی بر پوشش و معنویت اثرگذار بود. تحولات جهانی پس از فروپاشی اتحاد شوروی، با جهانی شدن ایده آزادی و گشودگی فضاهای اجتماعی و فرهنگی همراه بود. دال‌های ستیز و منازعه، جای خود را به گفتگو و تعامل سپردند و در بسیاری از مناطق جهان، با مبارزات متکی بر شعارهای آزادیخواهانه توأم بود. طلعه‌های آن چه تحت عنوان جهانی شدن شناخته می‌شود، از همین دوران پدیدار می‌شود. ظهور ویدئو و تکثیر شبکه فیلم‌های تولید شده در شبکه جهانی، ظهور تدریجی ماهواره و اینترنت از جمله تحولاتی است که عرصه رسانه‌ای کشور را نیز تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. در تداوم این فرایند، گسترش مطبوعات در داخل، نشر ماهنامه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز از جمله تحولات شایان توجه در این دوران است. بروز این تحولات در محیط منظومه گفتمانی پرورده شده در دوران جنگ، سبب می‌شود پشتیبانی عوامل پیرامونی از دست برود و زمینه‌های بروز گسیختگی در ساختار گفتمانی ظاهر شود.

جوانب درون گفتمانی

در پی ظهور عوامل برون گفتمانی مذکور، شاهد نشانگانی از گسیختگی در درون ساختار گفتمانی ناظر به تن زنانه هستیم. از جمله نشانگان این گسیختگی، کاسته شدن از بار دلالات گفتمانی مقوله حجاب است. دیگر کمتر مشاهده می‌کنیم که حجاب هم نسبت با مفاهیمی نظیر مبارزه با استعمار، کسب آزادی و یا تامین مناسبات عادلانه فرض شود. حجاب صرفاً هم نسبت با پاک‌ی اخلاقی حریم جامعه قرار داده می‌شود. نکته جالب توجه‌تر آنکه ساختار زبانی این گفتمان نیز حقوقی و با واژگان مجرمانه و توأم با تهدید و مجازات است. به چند نمونه در این زمینه توجه می‌کنیم.

« پس از گذشت ۱۰ سال از انقلاب اسلامی در مورد بدحجابی چاره‌ای از اعمال فشار نداریم» (زن روز، ۱۳۶۸، ش: ۱۲۱۲).

آیین نامه اجرایی مبارزه با بدحجابی از اول اردیبهشت ماه به مورد اجرا گذاشته می‌شود: « در پی تصمیم شورای عالی قضائی مبنی بر لزوم قاطعیت در برخورد فعال نیروهای اجرائی و انتظامی با پدیده بدحجابی در جامعه اسلامی، آئین نامه اجرائی مبارزه با بی حجابی، بدحجابی و لباس‌های مبتذل از سوی شورای اجتماعی استان تهران مورد تصویب قرار گرفته و از تاریخ ۶۸/۲/۱ به مورد اجراء در می‌آید. بر اساس مصوبه شورای استان تهران قوانین و آئین نامه‌های موجود در رابطه با مجازات متخلفین از حجاب اسلامی عبارت است از:

... تبصره: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد..... کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجبات ترویج فساد یا هتک عفت عمومی باشد توقیف و خارج از نوبت دادگاه‌های صالحه محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم می‌گردند.

... پوشش اسلامی جهت کارمندان دولت: پوشش کامل اسلامی جهت استفاده خواهران کارمند به شرح ذیل می‌باشد: ۱- ماتتو و شلوار مدل ساده و گشاد و بلند از پارچه ضخیم، ۲- ماتتو و شلوار مورد استفاده از رنگ‌های سرمه‌ای، قهوه‌ای، طوسی و مشکی ارجح است...» (زن روز، ۱۳۶۸، ش: ۱۲۱۲ و نیز اطلاعات ۱۳۶۸/۱/۲۷).

« عوامل فساد و بدحجابی در دادگاه‌های انقلاب محاکمه می‌شوند» (کیهان، ۱۳۶۹/۲/۱۶).

« همچنین راهپیمایی گروهی از مردم علیه پدیده بدحجابی و تقاضا از مسئولین کشور مبنی بر برخورد سریع با آن (۱۳۶۹/۲/۳) به نقل از امیری: ۱۳۸۸؛ آغاز طرح مبارزه با منکرات و بدحجابی توسط کمیته انقلاب اسلامی (۱۳۶۹/۲/۲۰: همان) و مجازات اداری زنان کارمند بدحجاب (۷۰/۳/۲۲: همان) همه از جمله گزاره‌های قضایی حادث شده پیرامون پوشش زنان در آغاز دومین دهه از انقلاب اسلامی بودند.»
ملاحظه می‌شود که متون مذکور حاکی از فقر هم نشانی‌های دال پوشش و حجاب است. فقر

این هم نشانی‌ها و هم نشان شدن پوشش با قانون و اجبار رخدادی است که از گسیختگی دلالات گفتمانی پوشش پرده برمی‌دارد.

نتیجه‌گیری

مشاهده کردیم که گفتمان انقلاب، در فرایند رقابت‌های سیاسی پس از پیروزی، با نظارت بر تن زنانه هم نشان گردید. تداوم این هم نشانی در سال‌های بعد، از عوامل اصلی به پرسش کشیده شدن این گفتمان در سال‌های بعد محسوب می‌شود. به پرسش کشیده شدن ساختار گفتمان انقلابی از طریق تداوم نظارت بر تن زنانه، می‌تواند از نقاط آسیب‌زای شرایط امروز ما محسوب شود. در چنین شرایطی دو چشم‌انداز می‌تواند متصور باشد: نخست تداوم وضع موجود است. تداوم وضع موجود سبب خواهد شد که مقوله برهنگی در مقابل نظارت حداکثری بر تن زنانه، به یک دال محوری برای سامان بخشی به منظومه دال‌های دیگر تبدیل شود. قابل تصور است و می‌توان نشانگان آن را امروز نیز مشاهده کرد که برهنگی با آزادی، دموکراسی و پلورالیسم فرهنگی و اجتماعی هم نشان گردد. حتی متصور است که دال‌هایی همچون توسعه، پیشرفت و تشخص به زنان نیز قابلیت هم نشان شدن با مقوله برهنگی داشته باشند. هم نشانی دال برهنگی با شبکه دال‌های قدرت بخش دیگر، میراث برآمده از انقلاب را در متن تضعیف و به فریبه‌ی یک گفتمان رقیب در حاشیه امکان حیات خواهد بخشید. این نکته‌ای است که تحقیقات اجتماعی می‌توانند چند و چون آن را موضوع بررسی قرار دهند.

منظومه رسانه‌های پربیننده‌ای که از طریق ماهواره‌ها منتشر می‌شوند، نمونه خوبی برای خبرگرفتن از هم نشانی برهنگی با منظومه دال‌های دیگر نظیر آزادی و گشودگی و ترقی و پیشرفت است. مجموعه سریال‌ها و برنامه‌هایی که توسط این رسانه‌ها تولید می‌شوند، جاذبه خود را از موقعیتی اخذ می‌کنند که اعمال نظارت حداکثری بر تن زنانه، به منزله استوانه حفظ ساختار گفتمانی انقلاب فهم می‌شود. در حالیکه مواجهه با پوشش به منزله مسأله‌ی قضائی و مجرمانه عرصه اجتماعی را آشکارا به عرصه اعمال خشونت نسبت به زنان تبدیل می‌کند.

به نظر می‌رسد در چنین شرایطی بازسازی ساختار درونی گفتمان انقلابی ضروری باشد. منظور از بازسازی، رها کردن ساختاریک گفتمان از وابستگی به یک دال آسیب زنده است. در این زمینه می‌توان دو استراتژی بازسازی را در میان نهاد. نخست الگوی بازگشت به مبدا و دوم الگوی بازسازی بنیادین. مقصود از الگوی بازسازی بازگشت به مبدا، رجوع یک ساختار گفتمانی به موقعیت تاریخی تکوین و پیش از تثبیت است. چنانکه در این مقاله نشان دادیم، صورت اظهاری گفتمان نظارت بر تن زنانه، بر حسب میزان دال آزادی، یک سه گانه اکثری، میانه و اقلی ساخته است. این سه گانه در عمل و در هنگامه تثبیت به الگوی اقلی که متضمن کمترین

میزان آزادی و بیشترین نظارت است تمایل یافته است. اینک می‌توان از رجعت به الگوی اکثری که متضمن حداکثر میزان آزادی و اقل نظارت است روی آورد. مقصود از بازسازی بنیادی، رفع اساسی هم‌نشانی میان گفتمان انقلاب و نظارت بر تن زنانه است. به این معنا، گفتمان انقلاب ضروری است در رجعت به شرایط تکوین خود با گفتمان‌های رقیب و از صحنه رانده شده نیز وارد گفتگو و بده‌بستان گردد. چنانکه پیش از این نشان دادیم گفتمان انقلابی حول دال‌های کثیر و متنوعی سامان گرفته است. محوریت مقوله اخلاقی سازی نسبت به سایر دال‌ها تنهایی از انتخاب‌های متصور بوده است. اینک می‌توان تصور کرد که در یک بازسازی بنیادین گفتمان انقلابی، دال اخلاقی سازی از محوریت منظومه دال‌ها به یک موقعیت پیرامونی تبدیل شود. به جای آنکه مقوله معنویت و اخلاقی سازی به دال‌هایی نظیر آزادی و عدالت معنابخشی کنند، قاعده معکوس گردد. متصور است که جامعه اخلاقی و معنوی، به یکی از دال‌های تغذیه‌کننده از دال محوری آزادی و عدالت تبدیل شود.

منابع

- احمدی خراسانی، نوشین و اردلان، پروین (1382) فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران، تهران: نشر توسعه.
- اطلاعات (1357/12/19) «قطعنامه اجتماع زنان در دادگستری».
- اطلاعات (1357/12/20) «درمورد حجاب اجباری در کار نیست».
- اطلاعات (1358/8/24) «محلله بد نام تا اطلاع ثانوی تعطیل شد».
- اطلاعات (1358/10/22) «هشدار دایره مبارزه با منکرات به صاحبان اماکن».
- اطلاعات (1359/4/18) «31 زن سیاهپوش از ارتش اخراج شدند».
- اطلاعات (1361/12/27) «ای خواهران، رعایت حجاب کمترین وظیفه شما نسبت به انقلاب است».
- اطلاعات (1362/1/8) «ظهارات دادستان کل انقلاب اسلامی، حجت الاسلام موسوی تبریزی و مسأله خانم‌های بی حجاب».
- اطلاعات (1362/1/21) «آیت الله صائعی دادستان کل کشور در دیدار با خواهران شرکت کننده در سمینار مسایل زن از دیدگاه اسلام».
- اطلاعات (1365/3/7) «بدحجابی، بخشی از توطئه استکبار علیه انقلاب اسلامی».
- اطلاعات (1366/1/27) «سخنان وزیر کشور در مورد پدیده بدحجابی».
- اطلاعات (1368/1/27) «آیین نامه اجرایی مبارزه با بدحجابی از اول اردیبهشت به مورد اجرا گذاشته می‌شود».
- امیری، ابراهیم (1388) «روزشمار تحولات و رویدادهای زنان، در 25 سال گذشته 1357-1382»، ماهنامه تخصصی پیام زن، ش158، www.daftarmags.ir.
- سراج زاده، حسین و غلامرضا کاشی، محمد جواد و هلالی ستوده، مینا (1391) «گفتمان جامعه پاک: شالوده شکنی سیاست نمایش بدن زنانه در دوره پهلوی»، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره 26.
- سعیدی، علی اصغر (1386) «بدن و فرهنگ مصرفی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره 14.
- شهشهانی، سهیلا (1376) «زن ایرانی یک مسئله سیاسی است»، مجله فرهنگ و توسعه، ویژه نامه زنان، سال ششم.
- صدر، شادی (1388) «سه دهه مبارزات حقوقی زنان در ایران»، برگرفته از سایت مدرسه فمینیستی.
- دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها (1376) زن در آینه مطبوعات، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زن روز (1359) «خداحافظ قرص ضد حاملگی»، شماره: 769.
- زن روز (1361) «مقام زن از دیدگاه صاحب‌نظران»، شماره: 861.
- زن روز (1361) «گفتار معصوم، زن و خانواده»، شماره: 862.
- زن روز (1361) «غیرت»، شماره: 868.
- زن روز (1359-1360) تصویر روی جلد، شماره 775 و 769.

- زن روز (1368) « آیین نامه اجرایی مبارزه با بد حجلی به مورد اجرا گذاشته شد»، شماره: 1212.
- زن روز (1368) «پس از گذشت 10 سال از انقلاب اسلامی در مورد بدحجلی چاره‌ای از اعمال فشار نداریم»، شماره 1212.
- فاتحی، ابوالقاسم و اخلاصی، ابراهیم (1389) «گفتمان جامعه‌شناسی بدن و نقد آن بر مبنای نظریه حیات معقول و جهان بینی اسلامی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره: 2.
- فوکو، میشل (1388) اراده به دانستن، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر: نی.
- کیهان (1357/12/16) « دستور امام درباره حجاب».
- کیهان (1357/12/17) «تظاهرات و راهپیمایی زنان تهران».
- کیهان (1357/12/17) « داماد امام خمینی: حجاب به معنی چادر نیست».
- کیهان (1357/12/20) «درمورد حجاب خانم‌های کارمند و مراجعان به ادارات».
- کیهان (1358/1/11) «بازرگان: تمام آزادی زنان تضمین شده است».
- کیهان (1359/4/16) «در بیانیه‌ای توسط شورای انقلاب بیان شد».
- کیهان (1359/4/17) «تجمع زنان سیاه پوش در مقابل ساختمان نخست وزیری».
- کیهان (1359/4/22) «بازدید آیت الله اشراقی از ادارات».
- کیهان (1363/10/17) «فرهنگ عریان‌گرا، ره‌آورد کهنه استعمار».
- کیهان (1369/2/16) «عوامل فساد و بد حجلی در دادگاه‌های انقلاب محاکمه می‌شوند».
- مکتب اسلام، (1362) «اشاعه فحشاء و ترویج فسادیکی از ابزارهای استعمار، شماره: 11».
- میلز، سارا (1389) میشل فوکو، ترجمه داریوش نوری، تهران: نشر مرکز.
- نش، کیت (1382) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- یزدخواستی، بهجت و ربانی، علی و اخلاصی، ابراهیم (1387) «مفهوم بدن در اندیشه‌ی فلسفی مرلوبونتی و چالش‌های نظری در قرائت جامعه‌شناختی آن»، معرفت، ش 126.
- Elliott, A. (2008) *Contemporary Social Theory*, London, Routledge.
- Fairclough, N. (2006) *Language and Globalization*, London And New York: Routledge
- Fairclough, N., Mulderrig, J., edited by Van Dijk, T (2011) **Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction**, London: Sage Publication
- Gee, J. Paul (2008) *An Introduction to Discourse Analysis*, London, Routledge.
- Jorgenson, M & Philips, L (2002) , **Discourse Analysis as Theory and Method**, London: Sage publication.
- Markula, P & Silk, M (2011) **Qualitative Research for Physical Culture**, Palgrave Macmillan.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني